

اولین مصاف تعین کننده



پانزده هزار سرباز افغان، امریکایی، انگلیسی، دنمارکی و استونیایی در «عملیات مشترک» در هلمند سهم میگیرند. این مانور آغازِ تطبیق استراتیژی جدید اوباما است: استراتیژی بانکتوت سبز یا سُرَب داغ. در باره مقاومت مخالفین، آقای اوباما گفت: ما نیرو میفرستیم تا دینامیک اغتشاش را در هم شکسته و زمینه برای انکشاف اقتصادی را در محلاتیکه خارج از دسترسی قرار دارند، تأمین کنیم. بناً این عملیات قدم اول در تطبیق استراتیژی ایشان بوده پیروزی آن بسته به پیروز خود استراتیژی است. زیرا اگر این عملیات با پانزده هزار سرباز تنها در دو ولسوالی کوچک و کم نفوس کشور (نادعلی و مارجه) به پیروزی نرسد پس ضرورت اعزام عساکر بیشتر به افغانستان به چه درد خواهد خورد. گیریم که طالبان درین جنگ کاملاً شکست نخورند چنانچه در سایت انترنیتی خود مینوسند که آنها شیوه حمله و گریز را پیش خواهند گرفت و تمام اراضی هر دو ولسوالی را با انواع ماین فرش خواهند کرد. گذشته از آن اراضی در ولسوالی های نادعلی و مارجه مناسب ترین اراضی برای ستر و اخفا در جنگهای چریکی است، تصادفاً اینکه تمام این جوی ها، زابرها و کانالها درین دو ولسوالی از طرف خود آمریکایی ها در سالهای ۱۹۵۰ ساخته شده اند.

نکته دیگری را که آمریکایی ها در اثر فشار افکار عامه جهان شامل استراتیژی خود ساخته اند عبارت از حفظ جان اهالی ملکی در اثنای جنگ است. گویا جنرال مک کریستال به سربازان خود گفته است: پیروزی تاکتیکی را با شکست ستراتیژیک مبادله نکنند. معضله از همینجا آغاز میشود زیرا سربازان آمریکایی جنگجویان آزموده میدانهای نبرد نیستند. آنها جوانهایی استند که

از کاباره ها و عقب ویدیوگیم ها به خدمت آورده شده و تجربه جنگی ندارند. وقتی در میدان محاربه شلیک آغاز میشود آنها فوراً «پروت» کرده و قوای هوایی را به کمک میطلبند، وقتی بم افگن ها سر میرسند خواهی نخواهی تلفات ملکی را همراه می آورند بخصوص که طالبان از برآمدن اهالی از ساحه جنگ جلو گیری میکنند.

خلاصه ناتو و دولت اسلامی افغانستان با اتخاذ این استراتیژی به قمار بزرگی دست زده و دول ناتو اعتبار خود را به معامله گذاشته اند مبصرین مینویسند که ناکامی درین عملیات میتواند به جنگ های درازمدت مانند دوران جنگ با قشون شوروی بانجامد. شعار ناتو با راه اندازی چنین عملیاتها سه جزء دارد « پاکسازی، نگهداری و باز سازی ». در امر پاکسازی نادعلی و مارجه تردیدی وجود ندارد. وقتی به مرحله نگهداری میرسیم وظیفه کمی مشکل تر میشود. زیرا چقدر قواء ضرور است تا امنیت تمام ولسوالی ها گرفته شود؟ و موضوع بازسازی اصلاً قصه دیگریست که دولت فعلی قطعاً ظرفیت تأمین آنرا ندارد. تا امروز در جاهاییکه از وجود طالبان پاک شده است «خس سر خس» مانده نشده است. آیا آغاز «عملیاتهاى مشترک» یک مقاطعه با این شیوه برخورد خواهد بود؟